

فرهنگ وفائی در چین

نوشته: تن هوی جو Teng Huizhu

دانشگاه پکن

خانم تن هوی جو دانشیار زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه پکن، فرهنگ وفائی را که از فرهنگهای معتبر و قدیمی زبان فارسی است، براساس نسخه‌های خطی موجود در چین تصحیح نموده است و اکنون این کتاب در انتشارات دانشگاهی در ایران زیر چاپ است.

نظر به اهمیتی که مقدمه خانم تن هوی جو در شناخت تاریخ زبان فارسی و آشنائی با نسخه‌های خطی فارسی در چین دارد، قسمت‌هایی از پیشگفتار که به این مباحث مرتبط می‌گردد، پیش از انتشار کتاب در نشریه کتابداری به چاپ می‌رسد.

این پیشگفتار در اصل مستند به منابع متعدد به زبان چینی و فارسی و سایر زبانهاست. به علت مشکلات فنی در حروفچینی خط چینی و آوانویسهای ویژه آن در چاپ کنونی همه منابع و مأخذ حذف گردیده است.

«سردیر»

۱- شناخت

فرهنگ وفائی که در اوایل قرن شانزدهم در سرزمین چین نوشته شده است، فقط به عنوان فرهنگ لغت فارسی مطرح نیست. اهمیت اصلی این فرهنگ بیشتر به عنوان سند زنده و معتبری از تاریخ زبان فارسی در چین است. زبان فارسی در چین، زبان فرهنگی و دینی مسلمانان بوده است. طبق

تحقیقات خاورشناس چینی هوانگ شی جیان (Huang Shi Jian)، واژه هوی هوی (Huihui) که امروز در زبان چینی به معنی مسلمان است، در چین قدیم معنی فارسی زبان / زبان فارسی داشت و چون زبان فارسی زبان دینی و فرهنگی مسلمانان بوده، بتدریج هوی هوی در زبان چینی معنی مسلمان گرفته است. نشانه‌های تاریخی رواج زبان فارسی هنوز در اصطلاحات روزمره دینی رایج در میان مسلمانان و بعضی از واژه‌های فارسی که وارد زبان چینی شده، همچنین کتیبه‌ها و سنگنوشته‌های متعدد تاریخی که به زبان فارسی در چین وجود دارد، نمایان است. تعداد نسخه‌های خطی فارسی در چین نیز قابل مقایسه با سایر زبانها نیست.

از دوره یوان (۱۳۶۸ - ۱۲۷۱ م.) به مناسبت ارتباطات سیاسی و گسترش فعالیتها و داد و ستدهای بازرگانی از طریق راه ابریشم زمینی و دریائی زبان فارسی در چین و سرزمین‌های حوزه راه ابریشم - از پکن تا ونیز - به عنوان زبانی بین‌المللی به کار می‌رفته و مبلغان مسیحی از قبیل پادری اودوریک (Odoric) و جهانگردانی مانند مارکوپولو یا ابن بطوطه (عربی زبان) برای ارتباط با مردم و گشت و گذار در این مناطق مجبور بودند فارسی یاد بگیرند، زیرا دانستن زبان فارسی برای هر جهانگرد و کسی که در آسیا به دنبال چیزهای تازه می‌گشت، بس ضروری بود. در دربار یوان، چنانکه در اسناد و کتابهای تاریخی اشاره شده، منشیان و مترجمان و مقامات عالیرتبه فارسی دان بوده‌اند. در کتاب وقایع نامه دوره یوان (Yuanshi) آمده است که در سال ۱۳۱۴ م. به فرمان شی زو (Shizu) خاقان چین مدرسه ویژه‌ای برای آموزش زبان فارسی و استیفا برای تربیت کارمندان فارسی دان در آکادمی سلطنتی پکن تأسیس شد و این مدرسه چندین سال به کار خود ادامه داده است (این تنها مورد در وقایع نامه‌های تاریخی چین نیست). در این دوره بسیاری از دانشمندان ایرانی و چینی با هم ارتباط علمی داشتند و بعضی از کتابهای علمی و ادبی فارسی به زبان چینی و بعضی از کتابهای چینی به زبان فارسی ترجمه شده است. این روابط فرهنگی در دوره مینگ (۱۳۶۸ - ۱۶۴۴ م.) همچنان ادامه یافته است. در دوره مینگ، زبان فارسی در چین چنان رونق و اهمیت داشت که نخستین واژه‌نامه

یا فرهنگواره زبان چینی به فارسی که در حدود ۱۶۸۴ واژه دارد، در اوایل این دوره تألیف گردید و همان وقت به طرز چاپ چوبی که از قدیم در چین اختراع شده بود و به کار می رفت، چاپ شده است. نسخه های خطی و بعضی از آن نسخه های چاپی این فرهنگواره اکنون موجود است.

در این دوره که مقارن با تألیف فرهنگ وفائی است، علاوه بر تدریس متنهای کلاسیک زبان فارسی که از قدیم به عنوان متن اصلی درسی در آموزشگاههای اسلامی چین معمول بوده، بعضی از دانشمندان ایرانی که به چین مسافرت می کردند یا در اینجا اقامت گزیده بودند، کتابهای ادبی و آموزشی زبان فارسی تألیف کرده اند. مشهورترین آنان محمد بن حکیم زینینی است. وی کتاب منهاج - الطلب را درباره دستور زبان فارسی در سال ۱۶۶۰ م. / ۱۰۷۰ ق. و رساله ای درباره صرف و اشتقاق زبان فارسی در چین تألیف کرده است.

محمد بن حکیم اهل اصفهان بود. در یک هیئت سفارت از دربار صفوی همراه با عموی خود از ایران به چین آمد و در شهر جی نینگ (Jining / استان شاندونگ Shandong در شرق چین) تا پایان عمر ماندگار شد. آرامگاه او هنوز در شهر جی نینگ باقی است. کتاب منهاج الطلب از مشهورترین کتابهای درسی و آموزشی زبان فارسی در چین بوده و هنوز هم در آموزشگاههای سنتی اسلامی در چین که به زبان چینی روش آموزش مسجدی گفته می شود، این کتاب تدریس می گردد.

با بررسی کتابهای فارسی که در چین نوشته شده، معلوم می شود که تعداد دیگری از دانشمندان ایرانی مانند مؤلف فرهنگ در چین به تألیف کتاب پرداخته اند، ولی به علت آنکه هیچ کدام از آنها به اندازه محمد بن حکیم که مقام رهبری دینی داشته مشهور نشده اند، اطلاعی از زندگی آنها نیست، زیرا کلیه اسناد و مدارک قدیمی و سرگذشتنامه ها از بین رفته است.

۲- فرهنگ وفائی در چین

از بین فرهنگنامه های فارسی که در دوره ها و جاهای مختلف نوشته شده،

وجود نسخه‌هایی از فرهنگ وفائی در چین نشان می‌دهد که این فرهنگ در بین فارسی‌دانان و فارسی‌زبانان چین از قدیم بسیار مورد توجه بوده است. متأسفانه بسیاری از نسخه‌های خطی فارسی در چین و از جمله دستنویسهای کهنتر این کتاب به عللی که در کتاب بررسی نسخه‌های خطی اسلامی در چین تألیف دکتر مظفر بختیار توضیح داده شده، طی رویدادهای مختلف از بین رفته است و نسخه‌های قدیمی فرهنگ وفائی اکنون در چین موجود نیست یا از وجود آنها آگاه نیستیم. ولی همین نسخه‌های نسبتاً نونویس با آنکه اعتبار آنها از لحاظ نسخه‌شناسی کمتر می‌شود، از نظر فرهنگی نوبودگی آنها قابل توجه‌تر می‌گردد. زیرا نشانه آن است که تا کمتر از یک قرن پیش، این فرهنگ مرجع و مورد استفاده فارسی‌دانان چین بوده و از آن نسخه برداری می‌شد. بنابراین، نتیجه‌گیری می‌شود که مطالعه و آموزش زبان فارسی تا گذشته‌ای نه زیاد دور در سطحی بالا در چین رایج بوده است.

در برگ آخر یکی از نسخه‌های خطی فرهنگ وفائی که در چین نوشته شده، یادداشت بسیار قابل توجهی به زبان چینی است. طبق این یادداشت، این دستنویس به درخواست اولیاء یک مسجد برای کتابخانه آنجا در سال ۱۸۵۰ م. به وسیله یک رونویسگر چینی رونویسی شده است.

یک دستنویس چینی دیگر که در سال ۱۸۷۹ م. کتابت شده، از آن نسخه هم‌نو نوشته‌تر است، ولی یادداشتهای ادبی و توضیحهای واژه‌شناسی که در حاشیه صفحه‌ها نوشته شده، به این دستنویس ارزش ویژه‌ای می‌بخشد، زیرا ثابت می‌کند که تا صد سال پیش فارسی‌دانان دانشمند و پژوهنده‌ای در پکن و در چین بودند که می‌توانستند در سطح عالی و تخصصی به واژه‌شناسی فارسی و پژوهش درباره زبان و ادبیات فارسی پردازند.

برای نشان دادن رواج و شهرت فرهنگ وفائی در چین، این موضوع قابل توجه است که در دستنویس بعضی از متنهای ادبیات فارسی که در چین خوانده می‌شد، دیده می‌شود خوانندگان برای معنی کردن بعضی از واژه‌ها از این فرهنگ استفاده کرده و در کنار صفحه‌ها از فرهنگ وفائی یادداشت برداری کرده‌اند.

۳- مؤلف کتاب

از زندگانی وفائی، مؤلف کتاب، اطلاع زیادی در دست نیست. نام او در مقدمه فرهنگ فارسی در دستنویسهای چینی به شکل حسن و در همه دستنویسهای دیگر حسین نوشته شده است. در مقدمه و متن مجمع الفرس سروری و بسیاری از فرهنگهای لغت که فرهنگ وفائی از منابع آنها بوده، از وفائی مکرر به عنوان حسین وفائی نام برده می شود. نسخه های چینی فرهنگ وفائی که نام او در آنها حسن آمده، در ضبط نام اشخاص دقیق نیست به طوری که نام بعضی از شاعران هم که شعر آنها آورده شده، گاهی نادرست و آشفته نوشته شده است.

وفائی تخلص شعری و نام ادبی مؤلف است. در همین فرهنگ شعر تخلص دار خود را به عنوان شاهد آورده (زیر نرد):

در باخت هرچه داشت وفائی به نرد عشق
امروز کس نیابی ازو پاکبازتر

در بعضی از فهرستهای نسخه های خطی فارسی چند دیوان یا منظومه به نام شاعرانی با تخلص وفا یا وفائی ثبت شده است. ممکن است در بین این آثار، اثری هم از وفائی، مؤلف فرهنگ باشد. اظهار نظر در این گونه زمینه های ویژه ادبی موکول به مطالعه و بررسی این آثار و در صلاحیت استادان و شعر شناسان ایرانی است.

در دستنویس بیاض و جنگ برگزیده منشآت و اشعار فارسی که در قرن هجدهم نجم حکیمای اصفهانی گردآوری کرده و بخط خود نوشته معراجنامه و اشعاری از وفائی آمده که با شعرهای وفائی که در فرهنگ مثال آورده یکسان است و معلوم می دارد دیوان و اشعار وفائی در قدیم در دسترس و مورد توجه اهل ادبیات بوده است.

در باره شرح حال وفائی در تذکره های مشهور و منابع و کتابشناسی های مربوط به شاعران ایران مانند ادبیات فارسی استوری و فرهنگ سخنوران مطلبی مشخص که امکان تشابه اسم با دیگران نداشته باشد پیدا نکردم. به احتمال اینکه، چنانکه توضیح داده خواهد شد، وفائی از شاعران خطه شیراز و منطقه فارس باشد

سرگذشت نامه‌های ویژه شاعران فارس مانند فارسنامه فسائی، آثار العجم فرصت‌الدوله، تذکره دلگشا از نواب شیرازی، مرآت الفصاحه از مفید داور و حدیقه الشعراء از دیوان بیگی نیز جداگانه بررسی شد.

نویسندگان کلاسیک تاریخ شعرای ایران به علت تعدد و همپایگی نسبی وفائیان در شاعری و سخنوری هویت آنان را با هم اشتباه و آمیخته می‌کرده‌اند. در تذکره صبح گلشن تألیف سید علی خان صاحب بهادر بخارائی (تألیف ۱۸۷۶ م)، که تنها تذکره‌ای است که در آن به نام حسین وفائی شیرازی تصریح شده، چنین آمده است:

«وفائی، ملاحسین شیرازی - شاعری است واقف فن جادو طرازی. بعضی او را و وفائی اصفهانی را که سبق ذکر یافت، متحد شمرده و برخی او را وفائی مشهدی که در نگارستان سخن مذکور است گمان برده. و کسی که او را از این وفائیان تمیز کرده این دو شعر را به نامش آورده:

پیش من بیداد یار از مهربانی خوشتر است زهر چشم او در آب زندگانی خوشتر است
پیش تو اعتبار من از خاک کمر است ای خاک بر سر من و بر اعتبار من «

از تعداد نسبتاً زیاد واژه‌های گویشی شیرازی که وفائی در فرهنگ خود آورده، می‌توان حدس زد که او شیرازی بوده و در آن شهر پرورش یافته است.

وفائی ۲۷ واژه از گویش شیرازی و ۱ واژه از روستاهای شیراز و ۱ واژه از گرمسیر فارس می‌آورد. در منابع او فقط در صحاح الفرس يك واژه گویشی شیرازی آمده و معیار جمالی اصلاً واژه گویشی شیرازی ندارد. این مقایسه نشان می‌دهد ۲۲۵ هد که این واژه‌ها را مؤلف از منابع خود نگرفته است.

آگاهی از اقامت وفائی در سرزمین چین و تألیف این فرهنگ در چین، علاوه بر آنچه که اشخاص با اطلاع چینی از پیشینیان نقل می‌کنند، این عبارت است که به دنبال رباعی پایانبخش کتاب در برگ آخر (Colophon) دستنویسهای فرهنگ وفائی نوشته شده:

تمام شد این کتاب بعون الله الملك الوهاب در ولایت ثوبان (ن ل: ثوابان) که عبارت از خطا باشد. خطا گیری خطاست.

با جستجوهای که نمودم و مشورت‌هایی که با استادان و دانشمندان چینی و

کارشناسان جغرافیای تاریخی چین و دانشمندان مسلمان چین داشته‌ام، معلوم نگردید که ثوبان یا ثوابان نام چه منطقه یا جایی در چین دوره مینگ یعنی زمان تألیف کتاب بوده است.

به نظر می‌رسد که ثوبان / ثوابان کلمه‌ای نادرست خوانده ناشی از اشتباه رونویسگران در دوره‌های بعد و نسخه‌های نو نوشته است، زیرا در آوانویسی نامهای خاص چینی در اسناد و متنهای قدیمی فارسی و عربی که در چین نوشته شده، هیچ حرف چینی به ث آوانویسی نگردیده و با توجه به ویژگیهای صوتی و آوایی دوزبان، نیازی هم به این کاربرد نبوده است. بنابراین نزدیکترین شکل‌های احتمالی به این کلمه صورت قوانان / فونان خواهد بود (حرف G چینی در متنهای قدیم فارسی و عربی که در چین نوشته شده به حرف ق برگردان و آوانویس می‌شده، مانند نام مشهور گانسو Gansu / قنجو). بنابراین اگر با توجه به ساختار نامهای جغرافیائی چینی صورتهای احتمالی و گوناگون این نام در نظر گرفته شود، با گونه‌های مختلف طبق کتاب اطلس تاریخی چینی بر چندین منطقه و شهر در چین قدیم و زمان تألیف کتاب تطبیق می‌کند، مانند:

Guang nan : نام شهر و منطقه‌ای باستانی نزدیک گویلین (Guilin) (استان گوان شی Guangxi) همچنین شهری در استان یون نان (Yunnan).

Guan nan (Xinanzhen) : شهری در استان جیانگ سو (Jiangsu).

Funan : تلفظ دوره مینگ از نام امروزی منطقه هونان (Hunan) که اکنون یکی از استانهای کشور چین است (بیشترین احتمال).

طبق اسناد فرهنگی و آثار تاریخی، همه این نواحی در دوره مینگ (۱۳۶۸ - ۱۶۴۴ م) رفت و آمد گاه ایرانیان در چین بوده است. بدون قرینه‌های دیگر نمی‌توان بدرستی تعیین کرد نامی که در فرهنگ وفائی آمده بر کدام یک از این مناطق به طور دقیق تطبیق می‌کند.

به هر حال، پیش از به دست آمدن اسناد و منابع کافی تنها مرجع سودمند در شرح حال وفائی همان مقدمه خود او بر این فرهنگ است. در این مقدمه هم مورد مهم اشاره به سال ۱۵۲۷ م / ۹۳۳ هـ است که این فرهنگ را به شاه طهماسب

صفوی (سلطنت ۱۵۷۶ - ۱۵۲۴ م) تقدیم کرده است.

۴- اشعار وفائی

برای نشان دادن پایه وفائی در شاعری، آن مقدار از شعرهای او که در این فرهنگ آمده به ترتیب دنبال هم آورده می شود:

خدایو جهان شاه طهماسب کورا سزد پادشاهی و دیهیم داری

شه دادگر زیده آل حیدر که تیغش کند روز کین ذوالفقاری

درباخت هرچه داشت وفائی به نرد عشق

امروز کس نیابنی ازو پاکبازتر

تو همنشین به رقیبی و من از آن ترسم

که پبله ور شکند قدر گوهری چون نو

معنی اندر خط معنبر تو آفتاب است در شب دیجور

دشمنانت همیشه در ماتم دوستان تو جاودان در سور

پایوس تو مرا دست دهد دیگر بار گر شود بخت به من یار و سعادت یاور

هم مگر لطف عمیم تو کند شاد مرا ورنه شد عمر من آخر همه در بوک و مگر

کرد بر من فرار و صبر حرام بخت ناساز و طالع بدرام

بنا کرده است بنای ازل دولت سرای تو ایام انانی

در آن روزی که می افراشت این فیروزه گون طارم

کام من تلخ از لب شیرین خود کام من است

آنچه می سوزد مرا اندیشه خام من است

جان در خطر از جلوه آن آفت جان است

چون شمع که در رهگذر باد وزان است

قاف تا قاف زالوان نعم خوان کرم

گسترانیده بر خلق جهان داده صلا

تویی که زلف و رخت رشک سنبل و سمن است

منم که آرزوی من هلاک جان من است

قهر تو می‌کند به جان عدو
 نو عروسان بکر فکر مرا
 زکاه کاهکشان آورند کاه کشان
 زکاینات مرا چشم روشن است به تو
 گلزار بهار شادمانی
 چرخ قصاب ناجوانمرد است
 گر کسی گرده ران ازو خواهد
 روی به جلوه چو کبک دری به حسن پری

پری که دید چو کبک دری به جلوه گری

در وصف باد:

نرود خار به پای تو چو هامون سپری
 ای وفائی تو در کجائی هان
 به وعده باز فرییم نمی‌توانی داد
 قصه خواهرت نگفته بماند
 به غیر غصه چه حاصل ز قصه واعظ
 [...] تو که گنج روان است ای غلام
 به راه کعبه وصل تو پی سپر گشتم
 کار فرمای خرد فی‌المثل ار توده کند
 مثل تو طرفه مثالی نتواند پرداخت
 چنین در ابروی تو نبیند کس
 به خدائی که بر افراخت سپهر اطلس
 سگم خواندی از آن گستاخ می‌آیم به کوی تو

زتو چون دبدم آن یاری مرا پیدا شد این یارا

چیدن سیب ارچه می دانم که از دیدن به است
 چون کنم کان سیب غیغب بر نتابد بیش ازین
 صد شکر که ناشده حیاتم سپری در سلک کشیدم اینهمه درّ دری
 هریاب دری زخلد و هر فصل از آن طاووسی و هر لغت چوکبکی است دری

۶- منابع فرهنگ وفائی

وفائی در مقدمه فرهنگ از سه فرهنگنامه به عنوان منابع اصلی کار خود نام می برد:

۱- صحاح الفرس

تألیف شمس الدین محمد بن فخرالدین هندو شاه نخجوانی در قرن چهاردهم. در همه دستنویسهای فرهنگ وفائی از این کتاب به نام صحیح / صحاح اللغة شمس الدین محمد هندو شاه نام برده شده است. صحاح الفرس در تاریخ فرهنگنویسی در زبان فارسی اهمیت خاص دارد، زیرا نخستین کتاب فرهنگ فارسی به فارسی است که فرهنگنویسی دوره قبل از مغول را به دوره های پس از آن پیوند می دهد.

با بررسی مواد و مطالبی که در فرهنگ وفائی از صحاح الفرس نقل شده و در متن چاپی صحاح الفرس نیست، معلوم می شود وفائی متن کاملتری از این کتاب را نزد خود داشته و متن چاپی کنونی نسخه یا تحریر نهائی این کتاب نیست. بنابراین در نام دقیق و حتمی این کتاب هم به صورت صحاح الفرس که در فرهنگ وفائی و منابع دیگر به شکل صحاح / صحیح اللغة نوشته شده، باید تردید کرد. پدر مؤلف صحاح الفرس، یعنی هندو شاه نخجوانی نویسنده کتابهای مشهور تجارب السلف و دستور الکاتب هم فرهنگ لغتی فارسی به ترکی به نام صحاح العجم تألیف کرده که در سال ۱۳۶۳ ش در تهران چاپ شده است.

صحاح الفرس در سال ۱۳۴۱ ش به کوشش دکتر عبدالعلی طاعتی در تهران چاپ شده است.

۲- رساله شمس الدین محمد کشمیری

هیچ نشانی از این کتاب در فهرست‌های منتشر شده کتابخانه‌ها و کتابنامه‌ها نیست. مؤلف فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، واژه نامه کوچکی را که در کناره مجموعه ۱۳۳۳ - ج آن کتابخانه نوشته شده، فرهنگ کشمیری حدس زده است. اما این فرهنگواره مختصر رساله کشمیری نمی‌تواند باشد، زیرا در آنجا به فرهنگ وفائی استناد و از آن نقل قول شده است (زیر طراز).

۳- معیار جمالی

تألیف شمس الدین محمد فخری اصفهانی معروف به شمس فخری در سال ۱۳۴۴ م. این کتاب در چهار موضوع ادبی است و بخش چهارم ویژه لغت است. بخش لغت از معیار جمالی در سال ۱۳۳۷ ش با ویرایش دکتر صادق کیا در انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.

چاپ دیگری از بخش لغت معیار جمالی توسط کارل زالمان در سال ۱۸۸۵ م در روسیه شده است.

* لغت فرس اسدی طوسی

وفائی مستقیماً از لغت فرس اسدی استفاده نکرده، ولی چون لغت فرس به طور کلی مأخذ اصلی همه لغتنامه‌های قدیم فارسی و منابع مستقیم وفائی بوده، بسیاری از واژه‌ها، تعریفها و شاهدها به همان شکل در فرهنگ وفائی وارد شده است.

کارل زالمان واژه‌ها و شعرهایی را که از فرهنگ اسدی در فرهنگ وفائی و لغت حلیمی نقل شده، گردآوری کرده و در مقاله‌ای در سال ۱۸۹۷ م انتشار داده است.

یومہ آرزو بندک باشد فرحی کنت بیت جوز مرا یومہ در کار نوبخت حکم
هفت روزی آرزو در روزی از این غم برهان یاری دوز را کو بند که زن در یاد در

باشد روزی کنت بیت چه نیکو سخن کنته یاری بهار است
که تا کی کشیم از خیر فلاخواری یک بینی یکبارگی ابو شکور کنته بیت
بجنگ نکلن جادوان بکنیسی بدین آرزو جوز منم خود رسی

ختم کتاب برین رباعی مشاع

صد شکر که تا شدن جنام سپرب در سلک کشیدم این سه دوری

مهربان در رخ ز خلد و هر فصل از آن طاروسی در هر لغت چه کیستی است درک

تمام شد این کتاب بعون الله الملك الوهاب در رایت شواہد است که عبارت از خطا

باشد خطا کبر خطا است والحمد لله رب العالمین

اللهم اغفر لکاتبه ولوالديه ولاستادیه و لمن نظر

فیه والمسامین والمسامان والحمد لله رب العالمین

光緒四年四月
光緒四年四月
光緒四年四月
光緒四年四月